

# ما و تاریخ فلسفه اسلامی

دکتر رضا داوری اردکانی

## فهرست اجمالی

۱۱	مقدمه
۱۹	مقدمه مؤلف
۳۵	بخش اول: قوام و تأسیس فلسفه اسلامی
۱۶۷	بخش دوم: گزارش مختصر تاریخ فلسفه اسلامی
۴۸۳	بخش سوم: وضع فلسفه در ایران و مقام فلسفه اسلامی
۵۶۷	کتابنامه
۵۷۹	فهرست آیات
۵۸۵	فهرست اشعار
۵۸۷	نمایه

## مقدمه

شریعت خاتم، خدای را که مصدر دین و منزل قرآن است، حکیم خوانند: **وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ**؛ حکمت را وحیانی دانست: **ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ**<sup>۱</sup>؛ و وحی را حکیمانه انگاشت: **ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ**؛<sup>۲</sup> حکمت را قرین کتاب (وحی نامه) و خرد را همسنگ وحی نشانند، و هر دو را توأمأ بر پیامبرش نازل فرمود: **وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ**؛<sup>۳</sup> و خداوند را معلم کتاب و حکمت پیامبر خویش نامید: **وَإِذْ عَلَّمْتِكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ**؛<sup>۴</sup> و پیامبرش را نیز معلم کتاب و حکمت مردم اعلام داشت: **وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ**؛<sup>۵</sup> عقل و وحی را مُدْرِك و مُدْرَك درک و دریافت دین انگاشت و عقل را حجت و پیامبر درونی، و انبیاء را حجج و پیامبران برونی قلمداد کرد<sup>۶</sup> و کلید فهم نصوص مقدس را نیز عقل قرار داد: **أَفَلَا يَفْقَهُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا**.<sup>۷</sup>

۱. النمل، ۲۷-۲۸

۲. الإسراء، ۱۷، ۳۹

۳. آل عمران، ۵۸، ۳

۴. النساء، ۱۱۳، ۴

۵. آل عمران، ۴۸، ۳

۶. انبقره، ۱۲۹، ۲ و ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴، ۳؛ التجمعه، ۶۲، ۲

۷. محمد الکلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، صص ۲۰-۱۳

۸. محمد، ۲۴، ۲۷

گوهر دین را که «کلمه‌ی توحید» است و همه‌ی گزاره‌ها و آموزه‌های دینی بر آن برساخته است عقلی دانست: **أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ**<sup>۱</sup> و رسولش را مأمور کرد که خلق را به اتکای حکمت و به طرز جدال احسن، به راه وحی فرا بخواند: **اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ**؛ ترک حکم نقل و عقل را توأماً موجب درافتادن در دوزخ قلمداد نمود و از قول دوزخیان آورد: **وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ**؛ بر خورنداری از خرد را مَلَک انسانیّت انسان و خردورزی را شرط صحت اضلاع این عنوان انگاشت و کسانی را که نمی‌اندیشند و به حکم خرد بی‌اعتنایند نکوهش فرمود و ترک خردورزی را علت تنزل آدمی از شأن انسانی به‌شمار آورد: **إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ**<sup>۲</sup>؛ **أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَاقِلُونَ**<sup>۳</sup>.

جهان‌بینی را به خردورزی پیوند زد: **وَهُوَ الَّذِي يَخْتِمْ وَيَمِيتُ وَنَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ**<sup>۴</sup>؛ **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ**، **الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ**<sup>۵</sup>؛ همگان را به تعقل در تاریخ دعوت کرد: **أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ**<sup>۶</sup>؛ پاره‌ای از مفاهیم فلسفی همچون علیّت را در وحی‌نامه‌اش بازگو کرد: **إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا**<sup>۷</sup> و بشر را مختار و منشأ اثر و نمود: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا**

۱. الأبياء، ۶۷/۲۱.

۲. النحل، ۱۶/۲۵.

۳. الملک، ۶۷/۱۰.

۴. الانفال، ۲۲/۸.

۵. الاعراف، ۷۷/۱۷۹.

۶. مؤمنون، ۲۳/۸۰.

۷. آل عمران، ۳/۱۹۱-۱۹۰.

۸. یوسف، ۱۲/۱۰۹.

۹. الاسراء، ۱۷/۷.

مَا بِأَنْفُسِهِمْ<sup>۱</sup>، وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ  
وَالْأَرْضِ<sup>۲</sup>، ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ<sup>۳</sup>.

برای اثبات مدعیات خود، بارها به اقامه‌ی برهان عقلی پرداخت و بدین‌سان ضمن تصریح بر حجت روش و زهیافت عقلانی در دین، بر عقلانیت آموزه‌های خود نیز انگشت تأکید نهاد: لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ<sup>۴</sup>؛ ... مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوتٍ فارجع البصر هل ترى من فطور<sup>۵</sup>؛ \* ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ<sup>۶</sup>؛ ... مَا كَانَ مَعَهُ مِنَ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ضَرِبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ<sup>۷</sup>، حتی برای اثبات و حیانت قرآن نیز با تمسک به برهان خلف، استدلال عقلی کرد: أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا<sup>۸</sup>؛ از مخالفان و منکران مبدأ نیز، برهان مطالبه فرمود: أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ<sup>۹</sup>؛ اَللَّهُ مَعَ الَّذِينَ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ<sup>۱۰</sup>؛ و آنان را فاقد برهان گفت: وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ<sup>۱۱</sup>.

من این آموزه‌ها را به‌مثابه نمونه آوردم تا بگویم چرا حکمت نموتی هستی و هویت عمده‌ی جوامع اسلامی در همه‌ی اعصار و امصار چیست: برغم سلطه و

۱. رعد، ۱۳، ۱۱.

۲. الاعراف، ۹۶، ۷.

۳. روم، ۴۱، ۳۰.

۴. الانبیاء، ۲۲، ۲۱.

۵. الملک، ۴، ۳، ۶۷.

۶. المؤمنون، ۹۱، ۲۳.

۷. الزمر، ۲۹، ۳۹.

۸. نساء، ۸۲، ۴.

۹. الانبیاء، ۲۴، ۲۱.

۱۰. المل، ۶۴، ۲۷.

۱۱. المؤمنون، ۱۱۷، ۲۳.

سیطره‌ی اشعریت تاریخی بر بخش عظیمی از سرزمین‌های اسلامی. طی چهارده قرن گذشته، جهان اسلام از حکمت‌خیزترین نقاط گیتی بشمار می‌آمده است. در این میان نقش و سهم حکیمان شیعی و ایرانی البته بسی بارزتر و برجسته‌تر از دیگر نقاط عالم اسلام بوده است. آری جوهر عقلانی و حکمت‌بنیان شریعت مصطفوی ص مایه‌ی زایش و بالش حکمت و عقلانیتی عظیم در اقالیم اسلامی و ظهور مکاتب فلسفی گوناگون و تکون علوم و آرای عقلی ژرف و شگرفی در این خطه از جهان گشت.

بر خلاف فرنگیان، که به نگارش تاریخ فلسفه بیش از نگارش در خود فلسفه اهتمام می‌ورزند، مسلمین هرگز به تاریخ فلسفه و تفکیک و ثبت تاریخ مکاتب و مناظر فلسفی اهتمام نمی‌کنند و این البته نقص بسیار بزرگی است. نگاه تاریخی به معرفت، نوعی نگاه درجه‌ی دو به معرفت است که موجب بسط و ماندگی مکاتب و مناظر و احياناً تنقیح و تقویت آنها می‌گردد. هرچند طی دهه‌های اخیر برخی تک‌نگاره‌ها یا گسترده‌نگاشته‌هایی در باب تاریخ حکمت اسلامی منتشر شده است:

- *دراسات فی الفكر الفلسفی الاسلامی*. حسام‌الدین آلوسی

- *سیر فلسفه در ایران*. اقبال لاهوری

- *تاریخ فلسفه در اسلام*. تجتیزج. دو بور

- *تاریخ فلسفه در اسلام*. میان محمد شریف

- *تاریخ فلسفه‌ی اسلامی*. اسحاق حسینی کوهساری

- *سیر حکمت در ایران و جهان*. سید محمد خامنه‌ای

- *ماجرای فکر فلسفی*. غلامحسین ابراهیمی دینانی

- *نگرشی بر تاریخ فلسفه‌ی اسلامی*. گردآوری و ترجمه مقالاتی از

*دایرةالمعارف فلسفه راتلیج*. توسط محمود زارعی بلشتی

- *زمینه‌ی تاریخ فلسفه‌ی اسلامی*. مصطفی عبدالرزاق

- *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*. حنا فاخوری

- *تاریخ الفلسفة الإسلامیة فی المشرق*. محمد ابراهیم الفیومی